

تصوف در آفریقا^۱

عبدالرحمن ابراهیم دوی

مصطفی سلطانی

مدت‌ها قبل از استقرار نهایی اسلام در آفریقا، مردان مقدس و مرشدان، با بخش‌هایی از این قاره تصادفاً ارتباط پیدا کرده بودند. مبلغان صلح‌جوی مسلمان و اشراف‌زادگان بازرگان قبل از اسلامی شدن کامل این مناطق، از آنجا عزیمت کرده و با آرامی آنجا را ترک کرده بودند، به گونه‌ای که ساکنان آن مناطق آنها را از یاد برده بودند. بسیاری از بازرگانان اولیه نیز به سبک خود مبلغ بودند. هر گاه آنان به صورت کاروانی سفر می‌کردند و برای تجارت یا استراحت توقف می‌کردند، نمازشان را به جماعت می‌خواندند. این عمل بر ساکنان محلی تأثیر بسیاری می‌گذاشت. بازرگانان، آرام آرام و به تدریج، هر چه که بومیان آفریقا به آیین آنها علاقه‌مند می‌شدند، بازرگانان، معلمان و مردان مقدسی را که داوطلب تعلیم اسلام به بومیان بودند با خود به آن مناطق می‌بردند. این مردان مقدس و صوفی عقائد و اصول اسلام را به بومیان می‌آموختند و عملاً انجام شعائر و مناسک را به آنها نشان می‌دادند و برکت (نیروی معنوی رازآلود) خود را در جمع بین امور دنیایی و دینی به کار می‌گرفتند. برخی از مبلغان اولیه زندگی خود را وقف این هدف کردند و با وجود سختی‌های بسیار، سالیانی را در مناطق بیگانه سپری کردند. «این پیشگامان مصمم اسلام، همانند نقش آفرینان در یک فرهنگ مکتوب که اسرارشان

۱ مشخصات کتاب‌شناختی این اثر از این قرار است:

به طور مستقیم تنها برای فرهیختگان و تحصیل‌کردگان قابل دسترسی است، در جوامعی که با آنها مواجه می‌شدند تأثیر چشم‌گیری می‌گذاشتند».^(۱) آن سرزمین‌ها را آنان به عنوان محل زندگی خویش قرار می‌دادند و غالباً در آنجا ازدواج کرده، عضوی از اعضای آن کشورها شدند. آنان در هر وضعیتی مردم محلی را راهنمایی می‌کردند، و هرگاه لازم بود تفاوت میان اعمال خالص اسلامی با اعمال التقاطی بومی را خاطر نشان می‌کردند. گرایش‌های اسلامی و صوفیانه همزمان وارد آفریقا شدند و گسترش آنها نیز توأمان بود. صوفیان به عنوان مبلغان منفرد یا به عنوان اعضای طریقه‌های سازمان‌یافته، از پیشگامان در تغییر دین افراد محلی بودند و قبائل را به نحو سطحی مسلمان می‌کردند. سِرْ هاملتون کیب^۱ تحولات بعدی را چنین وصف می‌کند:

موفق‌ترین مأموریت‌ها غالباً مأموریت مشترک مردان قبائل بود، هرچند بسیاری از آنان بی‌فرهنگ، خَشِن و بی‌نزاکت بودند. آنها شالوده‌هایی را پایه‌ریزی کردند که بر پایه آن، تأثیرات شریعت و الاهیات رسمی در نسل‌های بعدی کاملاً به بار نشست.

گسترش بی‌وقفه مرزهای دینی اسلام در قرن‌های بعدی در آفریقا، هند، اندونزی، و از طریق آسیای میانه در ترکستان، چین و جنوب شرقی اروپا، عمدتاً مرهون آنها [مبلغان صوفی] بود.^(۲)

تصوف به سرعت در شمال آفریقا گسترش یافت و از طریق اسپانیا وارد مغرب شد و از قرن هفتم هجری/سیزدهم میلادی به سرعت گسترش یافت و مرشدان صوفی ساختن زاویه‌ها را آغاز کردند.

از قرن نهم هجری/سیزدهم میلادی فرقه‌های صوفی‌ای به وجود آمدند که ویژگی‌های برجسته‌ای داشتند که هم‌اینک نیز به همان ویژگی‌ها شناخته می‌شوند.^(۳) پس از آن‌که طریقت‌ها و فرقه‌های صوفی شکل گرفتند، زاویه‌ها، نکایا و رباط‌های صوفی توسط هر فرقه‌ای ساخته شد. آقای تریمنگهام^۲ می‌گوید: «این رباط‌ها پست‌های مرزی را تقویت می‌کردند؛ پست‌هایی که غالباً مبلغان بانفوذ اسلام نگاهبانان آنها بودند.»^(۴)

سلسله‌های صوفیه

شماری از سلسله‌ها یا طریقت‌های صوفیانه وجود دارند که اکثر مسلمانان آفریقا با آنها

1. sir Hamilton Gibb

2. Trimmingham

پیوند دارند. این فرقه‌ها مبلغانی را برای ترویج به مناطق غیرمسلمان می‌فرستادند. رباط یا زاویه مکانی برای درس، اطعام و اقامت مسافران بود. ای.اس. تریتون^۱ می‌گوید: «رباط‌ها در آفریقا مراکز تمدن بوده‌اند».^(۵) بعدها این طریقت‌ها نسبت به همدیگر حسادت ورزیدند و رقابت شدیدی را در تبلیغ و ترویج اسلام آغاز کردند. کسانی که پیرو فرقه صوفی خاصی شدند، دلبستگی و احترام خود را به یک شیخ یا مراد معنوی ابراز می‌نمودند. این رهبران معنوی فرقه‌های صوفی، مطالعه متون مقدس اسلام و روایات شرعی و نیز روش‌های نمازخواندن و عبادت را به گروه‌های کوچکی از شاگردان علاقه‌مند آموزش می‌دادند. آنان تبلیغ می‌کردند که رستگاری از طریق عمل و پابندی شدید به اصول اخلاقی اسلام و اشتیاق به ترویج این دین حاصل می‌شود. تمامی اعضای فرقه برابر تلقی می‌شدند. و می‌باید از اصول رفتاری‌ای که استاد معنوی فرقه تدوین می‌کرد پیروی می‌کردند. این طریقه‌ها بر طبق این توصیه پیامبر(ص) عمل می‌کردند که این دنیا مزرعه‌ای است برای جهان دیگر و آدمی باید در اینجا سخت کار کند تا در آنجا محصول خود را برداشت کند.

فرقه‌های صوفی فعالیت‌های اصلاحی مختلفی را با هدف بازگشت به معنویت و خلوص اسلام، همانطور که در زمان پیامبر(ص) بود، صورت می‌دادند. فرقه‌های صوفی معمولاً مدعی داشتن سلسله نسب معنوی‌ای هستند که به صحابه پیامبر(ص) و از طریق آنان به خود پیامبر(ص) بازمی‌گردد. این امر، این ادعا را که پیرو یک فرقه صوفی باید از فضیلت دینی بالاتری نسبت به مردم عادی برخوردار باشد، مشروع می‌سازد.

حرکت انضباطی و اصلاحی شدیدی را که در یک رباط اجرا می‌شد در فعالیت‌های یک رباط در قرن پنجم هجری و یازدهم میلادی که در جایی از ساحل موریتانی با اقیانوس اطلس ساخته شده بود، مشاهده کرد.^(۶) هدف اصلی این جنبش‌ها تعلیم اصول اسلام به قبائل نیمه مشرک بود که به اسلام ظاهری ایمان آورده بودند. رهبر این رباط فرد مقرراتی‌خشنی به نام عبدالله بن یاسین بود که رسالت اصلاحی خود را در میان قبائل بربر کشور مغرب، یعنی گودالا،^۲ سانهاجی^۳ و لامتوما^۴ از سال ۴۳۰ق/۳۸-۳۹م تا سال ۴۵۰ق/۵۸-۵۹ آغاز کرد. به گفته ابن ابی‌زر، عبدالله بن یاسین حرکت خود را

1. A.S. Tritton

2. Goddala

3. sanhaja

4. Lamtuma

در میان مردمی آغاز کرد که نماز نمی خواندند، نام خداوند را بر زبان نمی آوردند و به ندرت از شهادتین اطلاعی داشتند؛ مردمی که به خاطر پیروی از هوس‌هایشان گرفتار فراموشی و روی گردانی از خدا شده بودند.^(۷) عبدالله بن یاسین را شمار زیادی از افرادی که مرید او شده بودند در آن رباط احاطه کردند. او آنگاه تبلیغ اسلام به بربرها را آغاز کرد. این حرکت اسلامی به نام المُواوید یا المرابطون معروف است (زیرا این حرکت از آن رباط شروع شد).

البکری، قواعد سختگیرانه عبدالله در مورد مراسم مذهبی را وصف کرده است: مجازات تأخیر در اقامه نماز بیست ضربه تازیانه، مجازات ترک سجاده پنج ضربه تازیانه، و مجازات بلند کردن صدا در مسجد را ضابطان تعیین می کردند.^(۸) عبدالله بن یاسین سرانجام در جهاد علیه فرقه بدعت‌گذار برگهاوات^۱ جان خود را از دست داد. تعالیم گمراه کننده این فرقه عبارت بود از: ارائه قرآنی جدید مشتمل بر هشتاد سوره، روزه گرفتن در ماه رجب به جای ماه رمضان، برگزاری عیدقربان در یازدهم محرم، اجرای نماز جمعه در روز پنج‌شنبه، و تحریم خوردن تخم مرغ، ماهی و سر حیوانات.^(۹)

به‌زودی تصوف مرابطون مشخصه اسلام در سنگامیا شد. امروزه نیز این تصوف عامل مهمی در حیات دینی مردم آن سرزمین است. مرابطون موریتانیایی اسلام را به مناطق زیادی در جنوب رودخانه سنگال معرفی کردند.^(۱۰) امروزه بیشتر مسلمانان غرب آفریقا عضوی یکی از فرقه‌های مهم صوفی هستند. مرابط نام معلم معنوی، و طالب^۲ نام شاگرد معنوی او است که راهنمایی در اعمال دینی را از او دریافت می کند.

نیازی ندارد که در اینجا وارد جزئیات مربوط به گسترش فرقه‌های صوفی در شمال آفریقا و کشور مغرب شویم، زیرا از موضوع بحث ما خارج است. در اینجا تنها می توان به یکی از مهم ترین فرقه‌های اخیر به نام سنوسیه^۳ پرداخت. در پایان این مقاله فهرستی از بیشتر فرقه‌های آفریقایی ارائه می شود که زمان به وجود آمدن آنها را نیز نشان می دهد. ما گسترش و رشد این فرقه‌ها را در شرق آفریقا، شرق سودان و غرب آفریقا با مقداری تفصیل بررسی خواهیم کرد.

در دوره فونگ^۴ که از سال ۹۰۶ق/ ۱۵۰۰ م آغاز شد نفوذ صوفیان در شرق سودان

1. Barghawata

2. tālib

3. sanusiyyah

4. Fung

عمدتاً از حجاز سرچشمه می‌گرفت. در این ناحیه بیش از بیست فرقهٔ مختلف صوفی وجود دارد که برجسته‌ترین آنها شاذلیه و ختمیه هستند، که ختمیه به عنوان طریقهٔ میرقانیه هم معروف است. هم‌اکنون در جمهوری سودان فرقه ختمیه مشهورترین فرقه است؛ به ویژه در میان اخلاف محمد احمد، مهدی سودان از سال ۱۲۵۹ق/۱۸۴۳م تا ۱۳۰۲ق/۱۸۸۵م، هر چند که خود مهدی استاد معنوی فرقه سمانیه بود.

در شمال شرق سودان و شاخ آفریقا مشهورترین طریقه، قادریه است که توسط شریف ابی بکر بن عبدالله العیدروس که در سال (۹۱۵ق/۱۲۵۵م) در عدن از دنیا رفت، در حرار در اتیوپی رواج یافت. احمدیه طریقه مشهور دیگری است که توسط سید احمد ابن ادیس الفاسی (۱۱۷۳ق/۱۷۶۰م-۱۲۵۳ق/۱۸۳۷م) فاضل‌ترین اصلاح‌طلب مکه پایه‌گذاری شد. مجاهد مشهور مسلمان شیخ عبدالله حسن، یکی از علمای پرهیزکار سومالی از طرفداران پرشور این طریقه بود. همو بود که در آغاز این قرن جهاد خود را علیه استعمار و دست‌اندازی مسیحیان به دشت‌های کشور مسلمان سومالی و ستیز با مسیحیان مناطق کوهستانی اتیوپی را رهبری کرد.

گسترش تصوف در شرق آفریقا

فرقه‌های صوفی‌ای که در شرق آفریقا گسترش یافتند همانند فرقه‌هایی هستند که در دیگر بخش‌های جهان اسلام یافت می‌شوند. فرقه قادریه شیخ عبدالقادر گیلانی پرتعدادترین فرقه‌ای است که از ناحیه‌ای به نام باراوا در سواحل سومالی به زنگبار وارد شد. سید عمر القلطنین (القلاتین) برای اولین بار این طریقه را در آنجا تبلیغ کرد. مدفن او در وژو که حدوداً در چهار مایلی زنگبار قرار دارد می‌باشد. قادریه فرقه مشهوری در لیندی است.

دیگر فرقه مشهور در شرق آفریقا، فرقه شاذلیه است. شیخ صوفی‌ای که خود را وقف ترویج تعالیم فرقه شاذلیه کرد، سید محمد ابن شیخ بود. وی در جزایر کومورو زندگی می‌کرد و در سال ۱۳۳۸ق/۱۹۲۰م از دنیا رفت. در کیلوا^۱ فرقه شاذلیه مشهورترین فرقه است. فرقهٔ رفاعیه در سواحل (ساحل) زنگبار گسترش یافت. رفاعیه اعمال بسیار سختی را انجام می‌دهند؛ از جمله این اعمال بلعیدن آتش و استفاده از ابزارهای تیز برای

سوراخ کردن بخش‌هایی از بدن است. اعضای این فرقه در حال تکرار ذکر و سرودهای ستایش خداوند، پیامبر و شیخ احمد رفاعی از طبل و تنبور استفاده می‌کنند. همین‌طور طریقهٔ عیدروسیه^۱ که توسط ابوبکر بن عبدالله عیدروس و طریقهٔ حدادیه که توسط عبدالله بن علوی بن محمد بن احمد الحداد (۱۳۲ق / ۱۷۲۰م) پایه‌گذاری شد نیز پیروانی دارند. به ویژه در لامن^۲ و زنگبار، فرقه‌های عیدروسیه و حدادیه شاخه‌هایی از طریقهٔ علویه^۳ به شمار می‌آیند که توسط محمد بن علی بن محمد (م ۶۵۳ق / ۱۲۵۵م) تأسیس شده است. طریقه دنداراویه^۴ که به وسیلهٔ احمد دنداراوی تأسیس شد نیز در زنگبار، شمال کنیا، سومالی و جزائر کومورو پیروانی دارد، اما در مجموع قدریه بیشترین پیروان را در شرق آفریقا دارد. در اوگاندا و زنگبار شاذلیه قوی‌ترین فرقه است و قدریه پس از آن قرار دارد.

تصوف در شرق آفریقا در ابتدا مناطق ساحلی را تحت تأثیر قرار داد و سپس به مناطق مرکزی گسترش یافت، هر چند توفیق چندانی نیافت. مقبره‌های بزرگان صوفیه در سواحل و در جزائری مثل لامو یافت می‌شوند. زنان سواحل شرق آفریقا به زیارت این مقبره‌ها می‌روند. جدیدترین مقبره از صالح بن عبدالله است که در ۱۳۵۴ق / ۱۹۳۵م از دنیا رفت و مؤسس رباط ریاضات در لامو بود. همانند برخی دیگر از بخش‌های جهان اسلام روی مقبره گل‌هایی گذاشته می‌شود و جشن‌های سالانه عرس همراه با سرودهای ستایش و ذکر در آنجا برگزار می‌شود. مقبرهٔ شاه مشهم^۵ بن هشام (م ۱۰۰۰ق / ۱۵۹۲م) که حاکم شیرازی مُمبَسَه^۶ بود نیز زیارتگاه مشهوری است. مقبره دیگری که در ممبسه به زیارت آن می‌روند، مقبره شیخ جُندان در مسجد جُندان است. همچنین مقبرهٔ شیخ فقیهی منصور در شهر تکا^۷ قرار دارد که تعداد زیادی از مردم محلی به زیارتش می‌روند.

تصوف در غرب آفریقا

فرقه‌های صوفی در غرب آفریقا توسط بربرهای شمال آفریقا گسترش یافتند؛ بربرهایی که به مقبره‌های افراد مقدس توجه زیادی می‌کردند، تا آنجا که در برخی مناطق تقریباً

1. Aydarusiyah

2. Lamn

3. Alawiyah

4. al-Dandarawiyah

5. Mashaham

6. Mombasa

7. Taka

می‌توان روش آنها را پرستش قدیسان دانست. اما دو تفاوت عمده در غرب آفریقا وجود دارد: (الف) ستایش قدیسان به ندرت یافت می‌شود؛ به استثنای مردم وُلْف^۱ که مقبرهٔ احمد بامبا را در طوبی مقدس می‌شمرند. (ب) فرقه‌های صوفی غربی کم‌شمارند. قادریه و تیجانیه دو فرقه‌ای هستند که در غرب آفریقا رواج دارند. گروه اندکی در گینه غربی پیرو طریقهٔ شاذلیه هستند، و این در نتیجهٔ تأثیرپذیری آنها در طی سفر حج و نیز از طریق تماس با مسلمانان شمال آفریقا بوده است. همین‌طور زمانی طریقهٔ عَرُوسیه^۲ به وسیلهٔ قبیلهٔ تریپولیتاری از اولاد سلیمان، وارد منطقهٔ چاد شد، اما اعضای آنها نیز به طریقهٔ تیجانیه پیوستند.^(۱۱) اما طرفداران فرقه تیجانیه و قادریه را می‌توان در تمام کشورهای غرب آفریقا دید.

فرقهٔ قادریه

قادریه اولین فرقه‌ای بود که وارد غرب آفریقا شد. به خاطر نفوذ عمرالشیخ (۸۴۶ق/۱۴۶۰م - ۹۶۰ق/۱۵۵۳م) که از قبیله کنتا^۳ بود، فرقهٔ قادریه برای نخستین بار به غرب سودان برده شد. او با اساتید قادری در طی سفر حج تماس گرفت و وارد این فرقه شد.^(۱۲) عمر شاگردان خود را برای تبلیغ به سراسر صحرای بزرگ آفریقا، نجر، بوکل و هوسلند فرستاد. مختار بن احمد (۱۸۱۱ق/۱۲۲۶م - ۱۸۴۲ق/۱۷۲۹م) یکی از جانشینان فعال او بود که در میان سیاهان آفریقا تعالیم قادری را تبلیغ می‌کرد. او زاویه‌ای در ازود،^۴ بنا کرد که در شمال تیم بُوگُتْنا^۵ واقع است. از همین مرکز بود که فرقهٔ قادریه به اطراف و اکناف گسترش یافت و با نفوذ در رهبران بزرگ به آنان توانایی اجرایی نهضت‌های اصلاحی خود را داد.

شاه عثمان دَن فُودِیُو از نجریه و شیخ احمد از مِسینا دو نفر از این اصلاح‌طلبان بودند که جهاد عملی کردند و تحول اساسی در مردم ایجاد کردند. به دلیل تأثیر از زاویه آزُود بود که شیخ سدیا الکبیر (۱۱۹۴ق/۱۷۸۰م - ۱۸۶۸ق/۱۲۸۵م) از افراد قبیلهٔ اولاد بیرری و نوه‌اش سدیا بابا (۱۲۸۶ق/۱۸۶۹م - ۱۳۴۲ق/۱۹۲۴م) توانستند بر قبائل مُوریش در موریتانی و قبائل ولف در سنگال تأثیر بگذارند. سپس در آنجا تعدادی از

1. Wolof

2. Arawsiyyah

3. Kunta

4. Azawad

5. Timbuktu

شاخه‌های قادریه ظهور یافتند که عبارتند از: فرقه لِسِدِيَّه به رهبری سدیا بابا (م ۱۳۴۲ق/ ۱۹۲۴م) و فاضِلِيَّه به رهبری محمد فاضل (م ۱۲۷۶ق/ ۱۸۶۰م) و مُرِيدِيَّه به رهبری احمد بامبا (م ۱۳۴۵ق/ ۱۹۲۷م). این شاخه‌ها با نیازهای معنوی سیاهان آفریقا هماهنگی داشتند. مشهورترین فرقه، مُرِيدِيَّه است که پیروان زیادی در اختیار دارد و به سرعت در میان ولف‌ها، که عمدتاً کشاورز، و از «بت‌پرستان» سنگال هستند گسترش یافته است. مرکز این فرقه در مسجد تونا است، تأکید این فرقه بر کشاورزان آنجا بود. رهبران این طریقه به کشاورزی اشتراکی ترغیب می‌کردند. رهبر کنونی این فرقه شیخ فَلِيلُو مَبْک ' است که تمامی پیروان این طریقه به او احترام می‌گذارند.

دیگر شیخ قادری مشهور، شاه عثمان دَن فُوْدِيُو است، که جهاد مشهوری را برای اصلاح پیروانش آغاز کرد. نفوذ او کاملاً در کشورهای بی که هم اکنون در شمال نیجریه قرار دارند تا نیجریه مرکزی و زُرْمَا گسترش یافت. نفوذ فرقه قادریه زمانی آنچنان زیاد شد که رهبران این طریقه در تشکیل دولت‌های جدید حالت ابزاری یافتند؛ دولت‌های جدید در منطقه فوتاجالون در سال ۱۳۷ق/ ۱۷۲۵م، فوتو تورو در سال ۱۱۹۰ق/ ۱۷۷۶م، مَسِينَا در سال ۱۲۲۵ق/ ۱۸۱۰م، و خلافت سُکُوْتُو نیجریه در سال ۱۲۱۹ق/ ۱۸۵۴م. در حال حاضر، این نفوذ و تأثیر تا حد زیادی کاهش یافته است و مردم به تیجانیه گرایش یافته‌اند. هنوز نیز این تمایل ادامه دارد. امروزه تیجانیه در غرب آفریقا به عنوان فرقه صوفی حاکم ظاهر شده است.

فرقه تیجانیه

فرقه تیجانیه، که توسط شیخ احمد بن محمد تیجانی (۱۲۳۰ق/ ۱۸۱۵م - ۱۱۵۰ق/ ۱۷۳۷م)، پایه‌گذاری شد، بعد از شکل‌گیری بلافاصله مورد قبول عامه قرار گرفت. علی بن عیسی (م ۱۲۶۰ق/ ۱۸۴۴م) که شیخ فعالی بود، همراه کاروان‌های تجاری مَبْلَغَانِي را از زاویه خودش التیماسین به مناطق کانو، برنو و وادی، اعزام می‌کرد. به زودی در مناطق کانو، برنو و وادی نیز زاویه‌هایی تأسیس گردید.

این فرقه با تلاش‌های عمر بن سعید فوطی پیروان زیادی را جذب کرد. در قرن سیزدهم هجری/ نوزدهم میلادی این فرقه در جنوب صحرا به عنوان قدرتی دینی و سیاسی

ظاهر شد. در شمال آفریقا، به ویژه در مغرب، احیای فرقه‌های صوفی تا حدی ناشی از سلطه استعماری فرانسه بود، زیرا این فرقه‌ها به ابزار حاکمان مسلمان برای مقابله با گسترش سیاسی امپراطوری‌های فرانسه و انگلیس در کشورهای اسلامی تبدیل شده‌است. فرانسوی‌ها حاج عمر بن سعید فوطی را «پیغمبر شیاد» و مسلمان متعصب خطرناک می‌خواندند، زیرا در تحریک مردم علیه توسعه استعماری آنان موفق بود. تیجانیه به پرقدرت‌ترین مخالفان فرانسه تبدیل شد و «بسیاری از اولین حاکمان فرانسوی از شور و هیجانی که مرابطون تیجانی می‌توانستند در پیروان خود ایجاد کنند، هراسناک بودند».^(۱۳) اتحاد حاج عمرتال با فرقه تیجانیه نقطه عطفی در تاریخ این فرقه بود. حاج عمر فرزند یکی از مرابطون بود که در سال ۱۲۱۲ق/ ۱۷۹۷م در فوتا تورو به دنیا آمد، و در سال ۱۲۳۵ق/ ۱۸۲۰م به زیارت‌خانه خدا رفت و در آنجا به یکی از مریدان فرقه تیجانیه تبدیل شد. او در بازگشت از سفر زیارتی خود، با اعزام مبلغان به دربار حاکمان مسلمان در غرب آفریقا، به گسترش این فرقه کمک کرد. او از مراکز اسلامی مانند کانم، سوکوتو، فوتا تورو و فوتا جالون دیدن کرد. وی به عنوان یک عالم برجسته نیز شناخته می‌شود که کتاب جواهر المعانی را که امروزه توسط شیوخ تیجانیه به عنوان منبع شناخته شده به نگارش درآورده است.

فرقه تیجانیه را حاج عمر، در هنگام بازگشت از سفر زیارتی، به مردم نیجریه معرفی کرد. وی برای مدتی در شهر برنو با کامینی اقامت گزید، سپس به سوکوتو رفت و چندین سال را در آنجا در ملازمت سلطان محمد بلو، فرزند شاه عثمان دن فودیو سپری نمود. او همچنین به دامادی محمد بلو درآمد. قادریه در دستگاه خلافت سوکوتو حکمفرما بود، ولی به تدریج فرقه تیجانیه مورد علاقه و پسند جوانان فرهیخته واقع شد. هم‌اکنون فرقه تیجانیه نسبت به قادریه مریدان بیشتری دارد و اکثر پیروان آن را نخبگان تشکیل می‌دهند. رهبران فرقه تیجانیه به کشورهای غربی آفریقا سفر می‌کنند و پیشگامانی را به مناطق متعددی می‌فرستند و اینگونه است که این فرقه به گسترش خود ادامه داده است. شیخ سیدی بن عمر تیجانی اهل مقره به کشورهای متعددی در غرب آفریقا سفر کرد و پیشگامان جدید تیجانیه را به بخش‌های شمالی و جنوبی نیجریه اعزام کرد. شیخ ابراهیم نیاسه اهل کالاک^۱ نیز را از کشورهایی در غرب آفریقا زیارت کرد. مسلمانان دسته دسته

برای دیدن او، به عنوان منبع سرشار برکات معنوی راهی می‌شدند. بسیاری از مردم هزاران مایل را از کشورهای دور برای دیدن وی طی مسیر می‌کردند و به فرقه او وارد شده، و به اندرزه‌های او گوش می‌سپردند. در ایالت مرکزی شرق نیجریه که اتفاقاً ناحیه‌ای با اکثریت مسیحی و محل سکونت ایبوها است، یک رهبر مسلمان ایبوئی و یک مقدم [پیشگام] تیجانی وجود دارد. مقدم تیجانی با گرویدنش به اسلام، نام خود را بعد از وفات شیخ ابراهیم نیاسه از اهالی کالاک به شیخ ابراهیم نیاسه نوگویی تغییر داد. او مدارس اسلامی، درمانگاه‌ها و مساجد بسیاری را در آفیکبو^۱ و انگوگو از یک^۲ و حوالی آنها بنیان گذاشت. افراد تازه مسلمان قبیله ایبو از فرقه تیجانیه پیروی می‌کنند. در حال حاضر شیخ ابراهیم نوگویی مشغول ترجمه قرآن به زبان ایبوئی است.

فرقه شاذلیه

اگرچه این فرقه در غرب آفریقا تأثیر اندکی داشته، در دیگر بخش‌های آفریقا گسترش یافته است. این فرقه در ابتدا توسط یک مسلمان پولویی، به نام علی الصوفی از فوتاجالون، در طی دیدارش از فز^۳ به آنجا برده شد. شاگردان معنوی وی زاویه‌هایی را در گمبا، انداما و جاویا تأسیس کردند. شاذلیه تا حدی در فوتا جالون تأثیر گذاشتند، ولی با شروع انتشار فرقه تیجانیه توسط حاج عمر تال در آن منطقه از دور خارج شدند و پیروان شاذلیه به تیجانیه گرویدند.

افول فرقه‌های صوفی در آفریقا

نشانه‌های افول به طرق مختلفی در تصوف آفریقا بروز یافته است؛ مثلاً این امر برای مریدان عادی بود که خود را وقف خدمت به شیخ خودشان نکنند و او را بر شیوخ فرقه‌های دیگر برتری دهند، اما برخی افراد تا بدانجا پیش رفتند که می‌گفتند شخص باید از شیخ خود پیروی نماید و دیگران را فراموش کند. این امر انحرافات مختلفی را در آیین‌های اسلامی پدید آورده است. اعتقاد به صوفیان بزرگ، که معمولاً اولیاء الله نامیده می‌شوند، غالباً چنان مبالغه‌آمیز شده است که مردم معتقدند تمام خیرات از آنان ناشی

1. Afikpo

2. Engugu-Ezike

3. Fez

می شود و تنها با وساطت آنان است که خدا از مردم خشنود خواهد شد. مردم به زیارت قبور شیوخ می روند، حلقه های گل نثارشان می کنند، قبور را با شیر شست و شو می دهند، و همانند کعبه به دور آنها طواف می کنند، و در صورتی که احساس کنند خواسته هایشان تحقق یافته است، کنار قبرهای آنان حیواناتی نظیر بز، قوچ و ماکیان را ذبح می کنند. این احترام به شیوخ گاهی همانند پرستش آنان به نظر می آید. گاهی احترام و تعظیم مردم در برابر قبرها تقریباً به حد سجده می رسد و اینان به جای کمک خواستن از خداوند از قدیسان و اولیاء الله کمک می جویند.

گرایش های جدید: تلاش های اصلاحی

در چنین اوضاع و احوالی بازتاب گفته های ابن جوزی و ابن تیمیه هم اکنون در بخش هایی از آفریقا به گوش می رسد و از جانب جنبش وهابی تقویت می شود؛ چنان که در کشورهای شمال آفریقا، شمال شرق آفریقا، و شاخ آفریقا آرای متجددانه غالباً به شدت مخالف تقدیس شیوخ و اولیاء و توجه مبالغه آمیزی است که به طور سنتی به برخی از مردان مقدس معطوف می شود.^(۱۴) مثلاً، در شرق آفریقا، ماتواس^۱ مخالفت با پرستش قدیسان و اولیاء را آغاز کرد، زیرا این عبادت آگاهانه یا ناآگاهانه به شرک می انجامد. به همین دلیل، آنها قاطعانه با ساختن بارگاه برای سلطان سعید مخالفت کردند.

اصلاح طلبان هم چنین برخی از اعمال فرقه تیجانیه را البدعة السیئه^۲ (بدعت های بد) می دانند. در عصر روزهای جمعه، پیروان فرقه تیجانیه حلقه وار می نشینند، پارچه سفیدی را در وسط پهن می کنند و زیر نظر مقدم دعاهایی را تکرار می کنند. آنها معتقدند که حضرت محمد (ص) در هنگام ورود خواندن نشان حضور پیدا می کند و روی آن پارچه سفید می نشیند. به نحو مشابهی، در طی خواندن مولودی وقتی که مولودی خوان می گوید که «پیامبر (ص) ما به دنیا آمد»، جمع حاضر به نشانه احترام به پیامبر (ص) بر می خیزند، زیرا آنها معتقدند که خود پیامبر [ص] در این هنگام حاضر می شود. در این هنگام آنها این جمله را تکرار می کنند: «ای پیامبر درود بر تو باد!». ظاهراً این عمل که در بین مردم شبه قاره هند - پاکستان معمول است، تأثیری جدی بر مسلمانان آفریقای شرقی گذاشته است.

1. Matwas

2. al-bid: atal sayyi'ah

فرقه سنوسیّه

در قرن سیزدهم هجری/نوزدهم میلادی فرقه سنوسیّه را محمد بن علی سنوسی -خطابی ادریسی حسنی در سیرنائیکا بنیان گذاری کرد (۱۲۰۱ق/۱۷۸۷م - ۱۲۷۵ق/۱۸۵۹م). این فرقه به سرعت فراگیر شد.^(۱۵) مؤسس این طریقه ساختار اجتماعی لیبی را به کلی دگرگون کرد و در ایجاد لیبی جدید و مستقل سهیم بود.

سید محمد بن علی سنوسی در تورش، واقع در شهر مُسْتَفْیَم در الجزائر به دنیا آمد. او از تبار خاندان معروف اداره، از نسل خلیفه چهارم اسلام علی [ع] از طریق فرزند بزرگ وی حسن [ع]، نوه پیامبر اسلام بود. پدر او هنگامی که وی هنوز جوان بود درگذشت و وی تحت سرپرستی مادرش بزرگ شد. او تحصیلات اولیه را در زادگاه خود و زیر نظر ابورأس (۱۲۳۸ق/۱۸۲۳م) و بِلْعَنْدُوز متوفای (۱۲۴۴ق/۱۸۲۹م) سپری کرد، سپس در سال (۱۲۳۶ق/۱۸۲۱م) به دانشگاه «قرویین» در شهر «فز» رفت. او در طی هشت سال در دانشگاه، تفسیر قرآن، حدیث^۱ و فقه را فراگرفت و با چند تن از علما و همچنین با انجمن های صوفی در مراکش ارتباط برقرار کرد. موفقیت های او در دانشگاه سبب دستیابی او به کرسی تدریس شد. او در سال (۱۲۴۴ق/۱۸۲۹م) با برخورداری از شهرتی فزاینده به عنوان یک انسان کامل و پارسا به الجزائر برگشت. او با همراهی نخستین مریدان خود به صحرا، تونس، تریپولی و سیرنائیکا مسافرت کرد و به تبلیغ اسلام پرداخت. او به وحدت اسلامی در حدی گسترده تر فراخواند و از مردم خواست تا از بدعت های شیطانی در باورها و اعمالشان دور شوند و به دین پیامبر، که از افزوده های بعدی و شاخ و برگ ها و تفصیلات نابجا مبرا است بازگردند.

سید محمد شهر فز را به قصد سفر به سوی شرق ترک کرد و در قاهره توقف کرد، و مدتی را در میان علمای دانشگاه الازهر به سر برد. او سپس به قصد زیارت به حجاز رفت و در آنجا ماند، و به تدریس و تأملات عرفانی، و مطالعه در اوضاع و احوال جامعه اسلامی پرداخت. او از آنچه می دید اندوهگین بود و عزم خود را جزم کرد تا زندگی خود را وقف کمک به مردم برای بازشناختن خویش کند.

سید محمد در طی اقامت خود در حجاز با قوی ترین پشتیبان خود، امیر محمد

شریف، حاکم وادی ملاقات کرد. در همین دوره بود که او متکلم و صوفی مشهور، احمد بن ادیس فاسی، را که استاد معنوی طریقه قادریه در مراکش بود، زیارت کرد. سنوسی او را معلمی همفکر یافت و به دوست صمیمی فاسی تبدیل شد و در سفری تبلیغی، با وی به یمن رفت. فاسی در آنجا درگذشت، اما قبل از مرگش به مریدان خود وصیت کرد که از تعالیم سنوسی، که به زودی زاویه وانجمنی را نزدیک مکه برپا می‌کند پیروی کنند. سرانجام در حدود سال ۱۲۵۰ق/۱۸۴۰م، تصمیم گرفت به وطن خود، یعنی الجزائر برگردد. اما به دلیل اشغال آن به دست فرانسویان موفق به انجام این کار نشد، بنابراین به سیرنائیکا رفت.

سنوسی کبیر در سال ۱۲۵۹ق/۱۸۴۳م اولین زاویه خود را در مکانی موسوم به زاویه البیذا تأسیس کرد. این مکان به عنوان مسجد، مدرسه، مهمانسرا و در صورت نیاز پناهگاه نیز مورد استفاده قرار گرفته است. در مدت کوتاهی، انبوهی از این زاویه‌ها در مناطق اطراف بنیان نهاده شد. این زاویه‌ها دارای ساختمان‌های مشابهی بودند، که به اندازه شش ساعت پیاده‌روی از یکدیگر فاصله داشتند، و در مناطق حساس و مهم قرار داشتند. هر روز جمعه گروه‌های مذهبی منظم از مردم محل در این زاویه‌ها جمع می‌شدند و خطیبان مردم را به پیروی از اصول دینی اسلام و توجه به جامعه اسلامی گسترده‌تر و فراگیرتر ترغیب می‌کردند. این زاویه‌ها همچنین به عنوان کانون جمعیت‌های مختلف تحت اشراف یک زعم یا شیخ نقش آفرین بوده و مسئولیت حل اختلاف و ایجاد سازش در مشاجرات محلی را بر عهده داشته‌اند. در کنار هر زاویه مدرسه‌ای نیز وجود داشت. مردم در زمین‌های مجاور زاویه‌ها برای تأمین مخارج آنها کشت و زرع می‌کردند. در این زاویه‌ها تازه‌واردان اخوان (برادران) نامیده می‌شدند.

تحت رهبری هوشمندان سنوسی، این جنبش به چاد، آفریقای مرکزی و حجاز گسترش یافت. اما این فرقه برای لیبی اهمیت خاصی داشته است، که به صورت نهضتی دینی، فرهنگی، و سیاسی درآمد. این حرکت تأثیر گسترده‌ای بر نبرد علیه استعمار داشت؛ نخست در آفریقای مرکزی و تحت رهبری سید المهدی پدرشاه ادیس، و پس از آن در لیبی بر ضد ایتالیایی‌ها از سال ۱۳۲۹ق/۱۹۹۱م تا خروج نهایی آنها در طی جنگ جهانی دوم.

سنوسی کبیر آمیزه‌ای بی نظیر از استعداد‌های ذاتی بود، به گونه‌ای که هم عالم دینی،

هم عارف، و هم مرد عمل بود. ابن فرقه از پیروان خود می‌خواست که خود را در بطن زندگی عملی بیشتر وقف شناخت اسلام کنند تا از روشنایی تجربه عرفانی بهره‌مند شوند. سنوسی کبیر اصرار داشت که پیروانش به قرآن و سنت پیامبر بازگردند، و از عادات مربوط به دوره‌های بعدی فاصله بگیرند.

بعد از گذشت چند سال، سنوسی بار دیگر به مکه رفت و در آنجا به وعظ زائرانی که از نقاط مختلف جهان اسلام به آنجا می‌آمدند پرداخت. اخوان سنوسیه، چنان تحت تأثیر تعالیم استاد خود بودند که خود به سفیران فعالی برای طریقه سنوسیه تبدیل شدند و با مسافرت به نقاط مختلف زاویه‌های جدیدی را بنیان نهادند. سنوسی در سال ۱۲۶۹ق/ ۱۸۵۳م به سیرنائیکا بازگشت، و در سال ۱۲۷۱ق/ ۱۸۵۵م مرکز طریقه خود را از شهر البیذا به آبادی دوردست جغبوب،^۱ حدود ۱۸۰ مایلی جنوب تۇبروک منتقل کرد و در آنجا در حاشیه صحرا انجمن پررونقی را از پیروانش تاسیس کرد؛ وی در آنجا منطبق با الگوی دانشگاه الازهر در قاهره و دیگر مراکز آموزشی اسلامی در شمال آفریقا دانشگاهی اسلامی را تأسیس کرد. او علمای زیادی را گرد هم آورد و کتابخانه‌ای مشتمل بر هشت هزار جلد کتاب و یک هزار جلد نسخه خطی بنا نهاد و سیصد شاگرد برجسته تربیت کرد که همگی از انگیزه‌های قوی برای اصلاح بنیادین جامعه اسلامی و گسترش پیام اسلام در آفریقای مرکزی و سرزمین‌های هم جوار صحرا برخوردار بودند. این مراکز جدید سنوسی در مسیر تجاری مهمی قرار گرفت و کانون تأثیر سنوسیان بر مصر، سودان، و لیبی به دور از دخالت‌های سیاسی اروپاییان و ترک‌ها گردید.

سنوسی کبیر در سال ۱۲۷۵ق/ ۱۸۵۹م، پس از این‌که پایه‌های استوار جنبش سنوسیه را بنانهاد، در شهر جغبوب درگذشت، سپس در آنجا در مقبره‌ای باشکوه دفن شد که هنوز هم مورد احترام سنوسیان است. موفقیت فرقه سنوسیه را از این واقیعت می‌توان دریافت که هنگامی که سید محمد مهدی جانشین سنوسی بزرگ، رهبری این فرقه را در سال ۱۲۷۵ق/ ۱۸۵۹م، عهده‌دار شد، سنوسیه ۱۴۶ زاویه داشت.

نتیجه

صوفی‌گری در سرتاسر تاریخ اسلام در بسط و حفظ اسلام و فرهنگ آن در آفریقا نقش

اساسی داشته است. صوفی‌گری در آفریقا همه جنبه‌های زندگی را، از معماری تا سیاست تحت تأثیر خود قرار داده است. اما بیش از همه، زمینه تربیت نسل‌های دیندار و مردان و زنان پرهیزکاری را فراهم ساخت، که نمونه‌های برجستگی و حکمت معنوی بوده‌اند. در سراسر قاره آفریقا و در طی قرن‌ها میلیون‌ها نفر از آفریقاییان که دعوت اسلام را پذیرفتند به این شخصیت‌ها عشق ورزیده و از آنان تبعیت کرده‌اند. معنویتی که صوفیان تعلیم می‌دادند تا زمان حاضر به عنوان یک واقعیت زنده در سرتاسر آفریقا، که هم‌اکنون اکثریت ساکنان آن مسلمان هستند باقی مانده است.

پیوست

تعدادی از فرق صوفی در آفریقا که هم اکنون وجود دارند

طریقت	منطقه نفوذ	دوره آغاز نفوذ
قادریه	سرتاسر آفریقا	در زمان عبدالقادر الجیلانی (م ۱۱۶۶/ق ۵۶۱م)
شاذلیه	عمدتاً در مراکش، تونس، الجزائر و اوگاندا	ابوالحسن شاذلی در تونس (م ۱۲۵۰/ق ۶۴۱م)
سمّانیّه (شاخه‌ای از شاذلیه)	مصر و سودان	قرن ۱۳ق/۱۹م
رفاعیه	در بیشتر مناطق آفریقا	۱۱۷۵/ق ۵۷۰م
علویّه		۱۲۵۵/ق ۶۵۳م
احمدیه	مصر	سیداحمدالداوی (م ۱۲۷۶/ق ۶۷۵م)
برهانیّه	مصر	ابراهیم الدسوقی (م ۱۲۷۷/ق ۶۷۶م)
جدویّه (شاخه‌ای از شاذلیه)	مراکش	۱۴۶۵/ق ۸۶۹م
عسویه	مراکش، الجزائر و تونس	محمد بن عیسی (م ۱۵۲۳/ق ۹۳۰م)
تیجانیّه	شمال و غرب آفریقا	۱۷۸۲/ق ۱۱۹۶م
سنوسیّه	لیبی	۱۸۳۷/ق ۱۲۵۳م
درقاویّه	الجزائر، مراکش	۱۸۲۳/ق ۱۲۸۳م
مدنیّه (شاخه‌ای از درقاویّه)	تریپولیتانی	قرن ۱۳ق/قرن ۱۹م
عیدروسیّه	لامو و زنگبار	۱۵۰۹/ق ۹۱۵م
علویه (شاخه‌ای از درقاویّه)	الجزائر	شیخ احمد العلوی (م ۱۳۳۷ق/ق ۱۹۱۹م)
عمّاریّه (شاخه‌ای از قادریه)	الجزائر، تونس	قرن ۱۳ق/قرن ۱۹م
عروسیه (شاخه‌ای از قادریه)	تریپولیتانی	عبدالعباس بن عروس متوفای (م ۱۴۶۰/ق ۸۶۴م)

دورهٔ آغازِ نفوذ	منطقهٔ نفوذ	طریقت
قرن ۱۳ق / قرن ۱۹م	تونس	اوامریّه (شاخه‌ای از عیسویّه)
۱۵۰۵ق/۹۱۱م	سودان	بکائیّه (شاخه‌ای از قادریه)
قرن ۱۳ق/قرن ۱۹م	مصر، الجزائر	بوعلیه
قرن ۱۳ق/قرن ۱۹م	سودان	اسماعیلیه
ابن مشیش (م ۶۲۳ق/۱۲۲۶م)	مراکش	مشیشیه
قرن ۱۰ق/قرن ۱۶م	مغرب	یوسفیه (شاخه‌ای از شاذلیه)
۱۲۶۹ق/۱۸۵۳م	سودان	خانمیه یا میرفانیه (شاخه از حنیش ادرسیه)
احمد بومبا (م ۱۳۴۵ق/۱۹۲۷م)	سنگال	مریدیّه (شاخه‌ای از قادریه)
	اوگاندا	حدادیّه

یادداشت‌ها

۱. آی. ام. لوئیس، اسلام در مناطق استوایی افریقا، (لندن: انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۱۹۶۶م)، ص ۲۷.
۲. ایچ. ای. آر. گیب، دیانت محمدی، (لندن: انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۱۹۶۴م)، ص ۱۴.
۳. رک: جی. اس. ترمینگهام، تاریخ اسلام در غرب افریقا، (لندن: انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۱۹۶۸م)، ص ۱۵۸.
۴. همان، ص ۲۳، شماره ۲۰.
۵. ای. اس. تراپتون، اسلام، (لندن: کتابخانه دانشگاه هوجینسون، ۱۹۶۲م)، ص ۹۷.
۶. ترمینگهام، تاریخ اسلام، ص ۲۳.
۷. ابن‌یادر الفاسی، روض القرطاس: تاریخ پادشاهی مغرب، مترجم: ای. بیومیر، (پاریس: ایم پریری ایمیرال، ۱۸۶۰م)، ص ۱۷۰.
۸. البکری، *Description de L'Afrique Septentrionale* ترجمه و ویرایش: بارون مک گیوچین، (پاریس، گیوتتر، ۱۹۱۳م)، ص ۱۶۹-۷۰.
۹. همان، ص ۱۳-۴۱، ۲۰۴.
۱۰. ام. ای. کلین، اسلام و امپریالیسم در سنگال، (استنفورد: انتشارات دانشگاه استنفورد پاریس، ۱۹۶۸م)، ص ۶۳.
۱۱. ترمینگهام، تاریخ اسلام، ص ۹۱.
۱۲. ترمینگهام، طریقت‌های صوفی در اسلام، ص ۸۸.
۱۳. کلین، اسلام و امپریالیسم در سنگال، ص ۹۶؛ نیز رک: جی. ام. ابوالنصر، تیجانیه (لندن: انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۱۹۶۵).
۱۴. لوئیس، اسلام در مناطق استوایی آفریقا، ص ۹.
۱۵. درباره طریقت سنوسیه رک: ان. زیاده، سنوسیه: پژوهشی درباره جنبش‌های تداوم‌یافته در اسلام (لیدن: بریل، ۱۹۵۸).